

# علم أصول الفقه

٩٦

مباحث الفاظ ٢٩-٢-٩٤

دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

## لِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا

- وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (١٣٩)
- إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (١٤٠)
- وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ (١٤١)

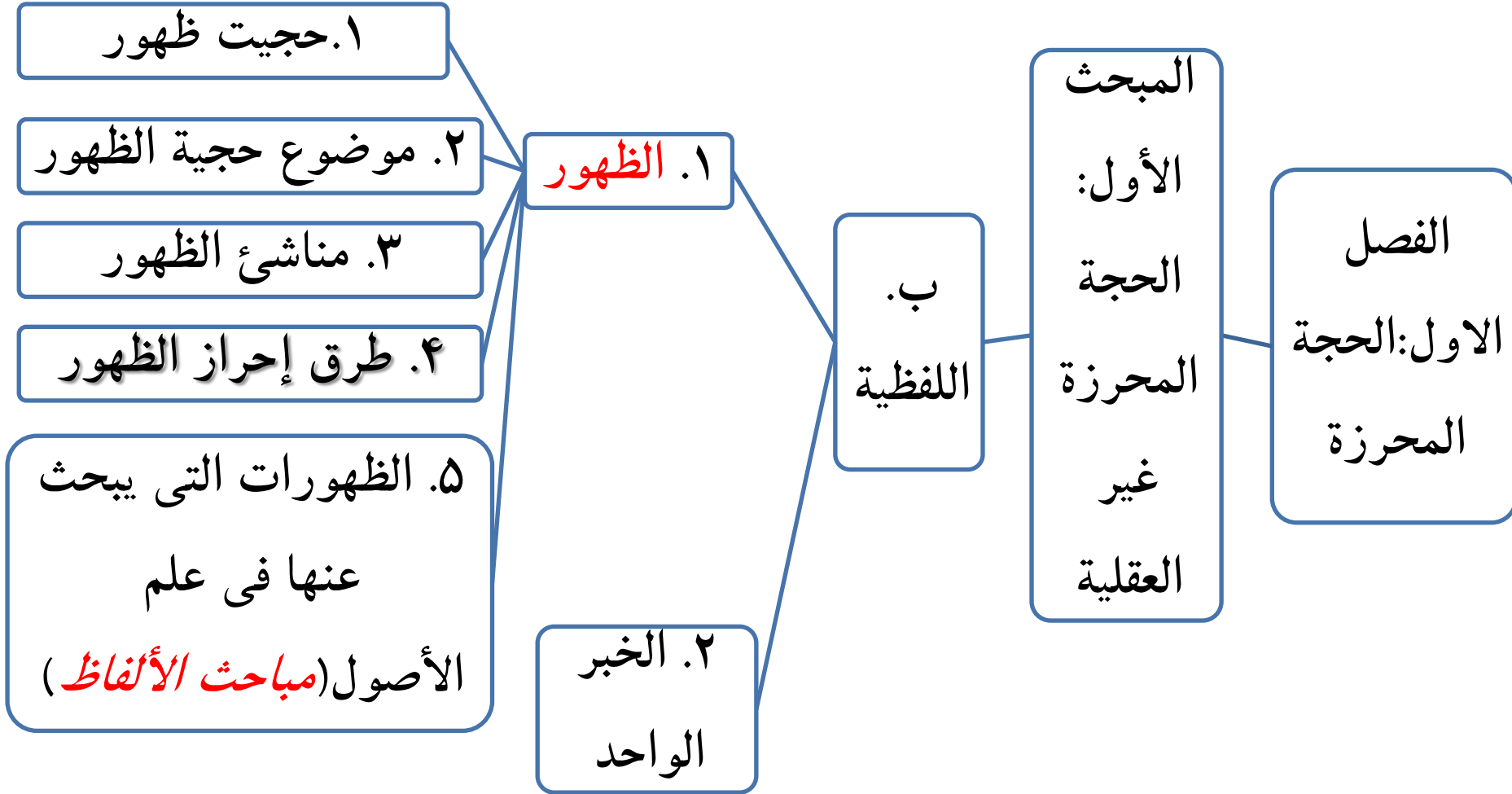
يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ يَعْلَمُ الصَّابِرِينَ

• أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ يَعْلَمُ  
الصَّابِرِينَ (١٤٢)

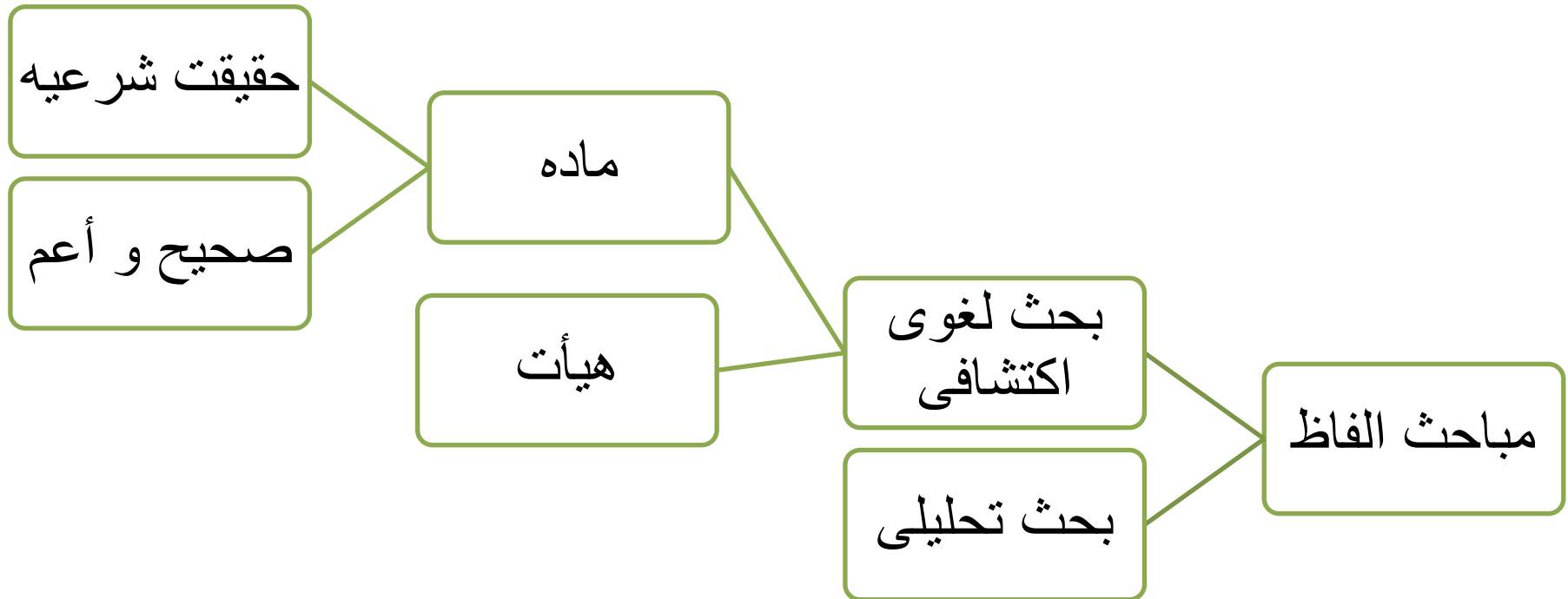
• وَ لَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ  
(١٤٣)

• وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ  
انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَ  
سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (١٤٤)

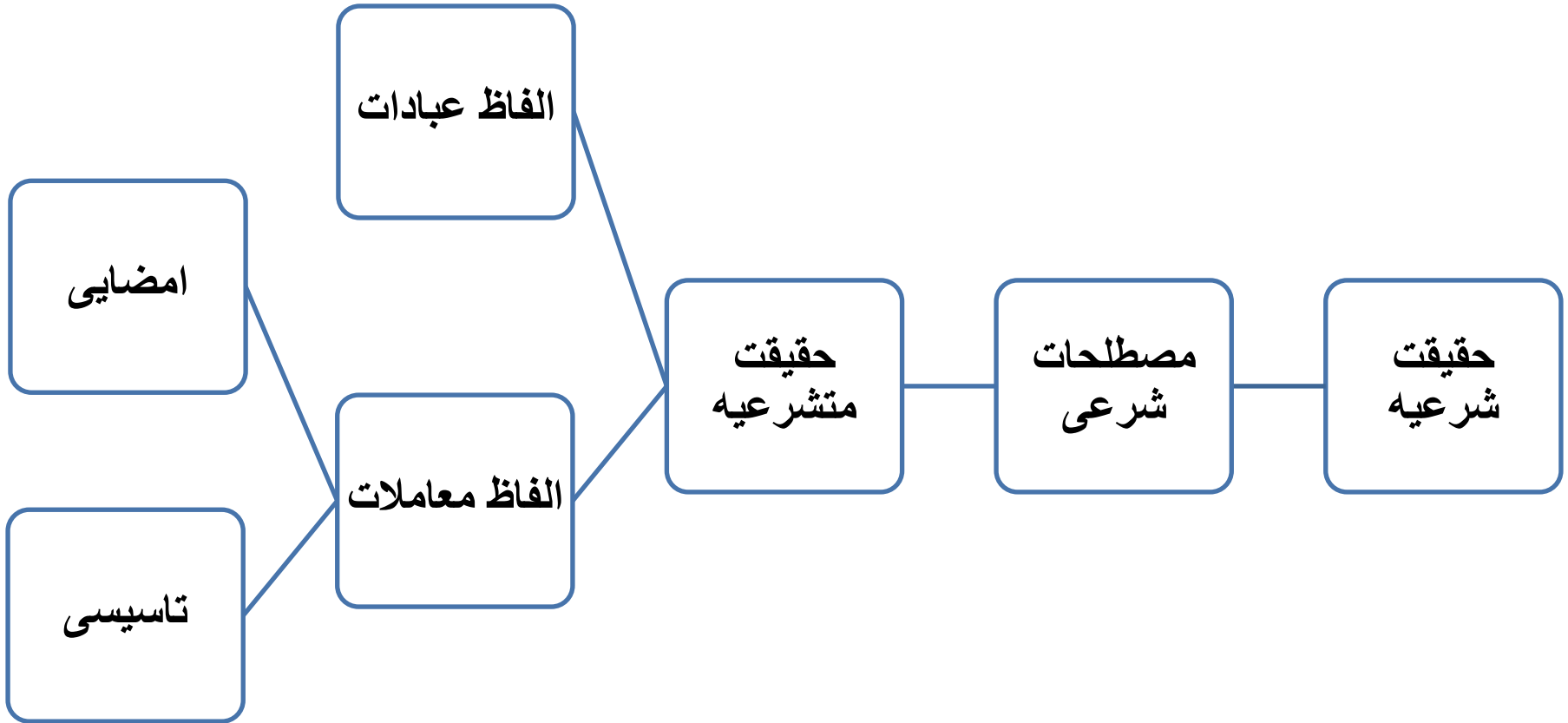
• وَ مَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا وَ مَنْ يُرِدْ ثَوَابَ  
الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ سَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ  
(١٤٥)



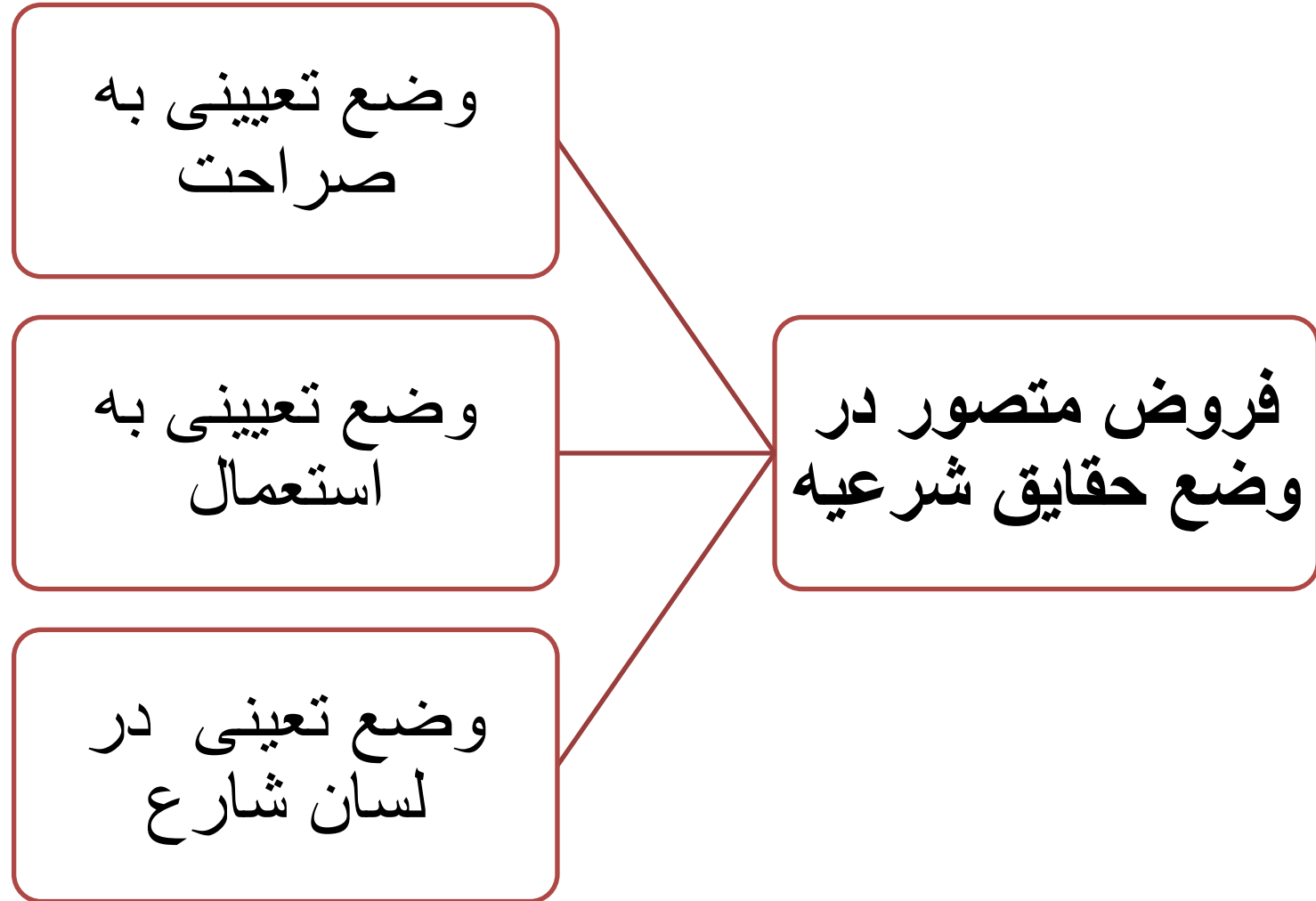
## ۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



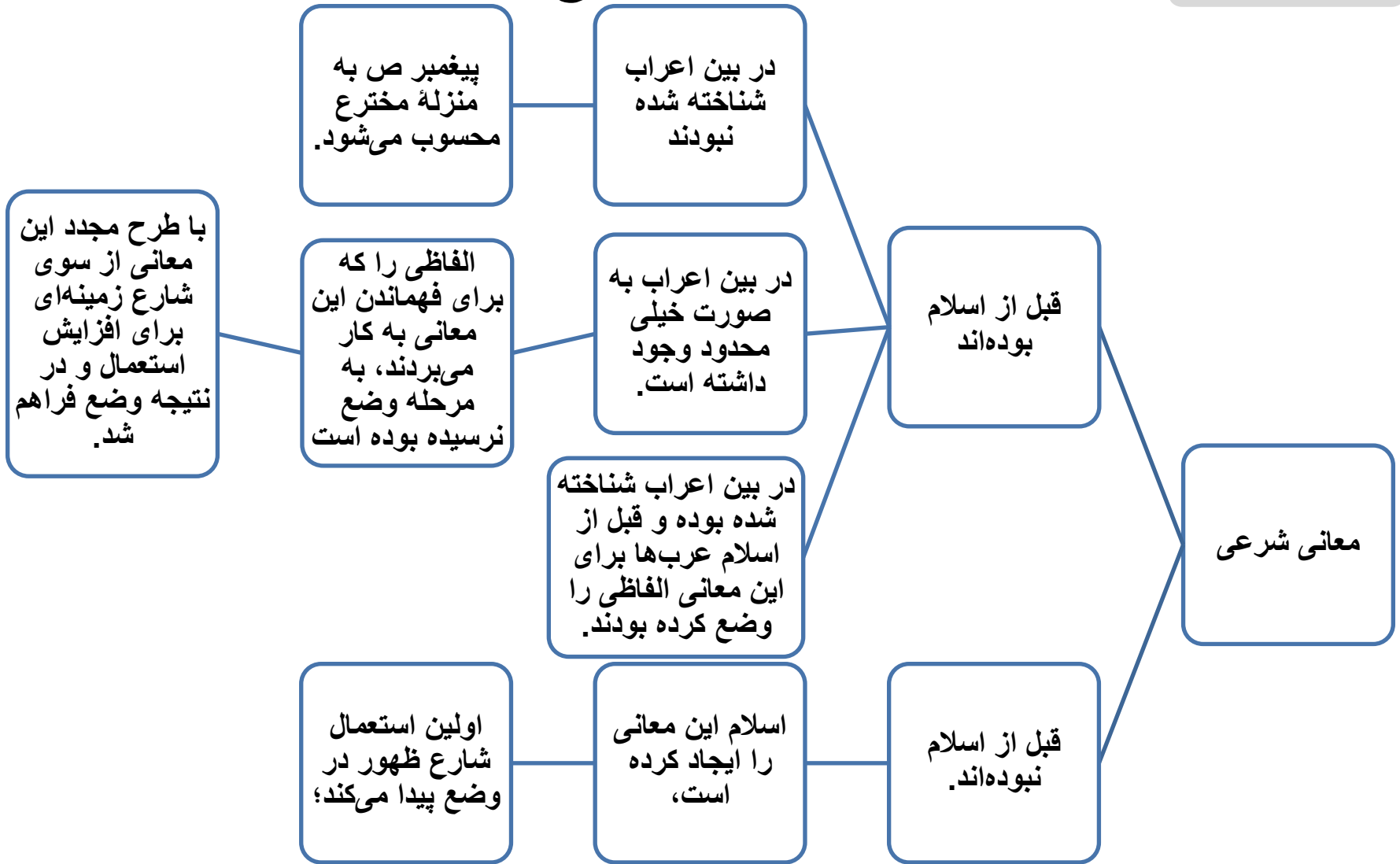
# ١- حقيقت شرعيه



# فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

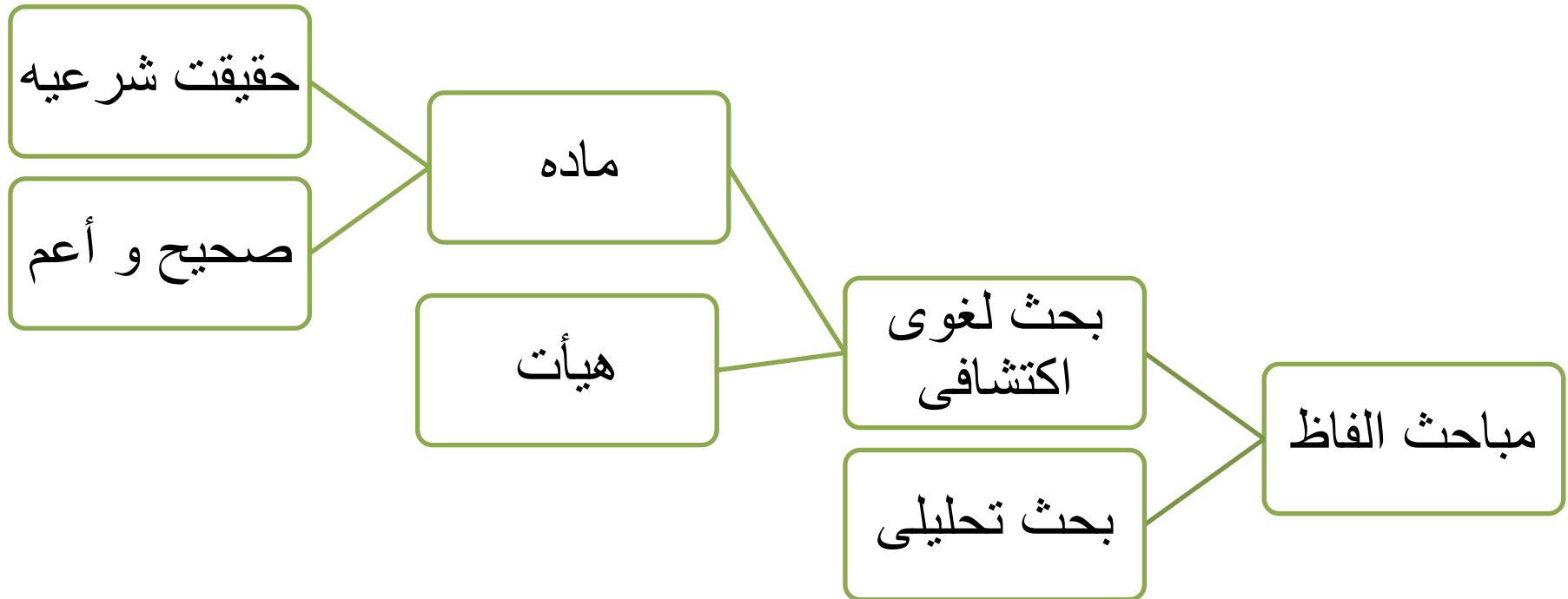


# فروض متصور در وضع حقایق شرعیه

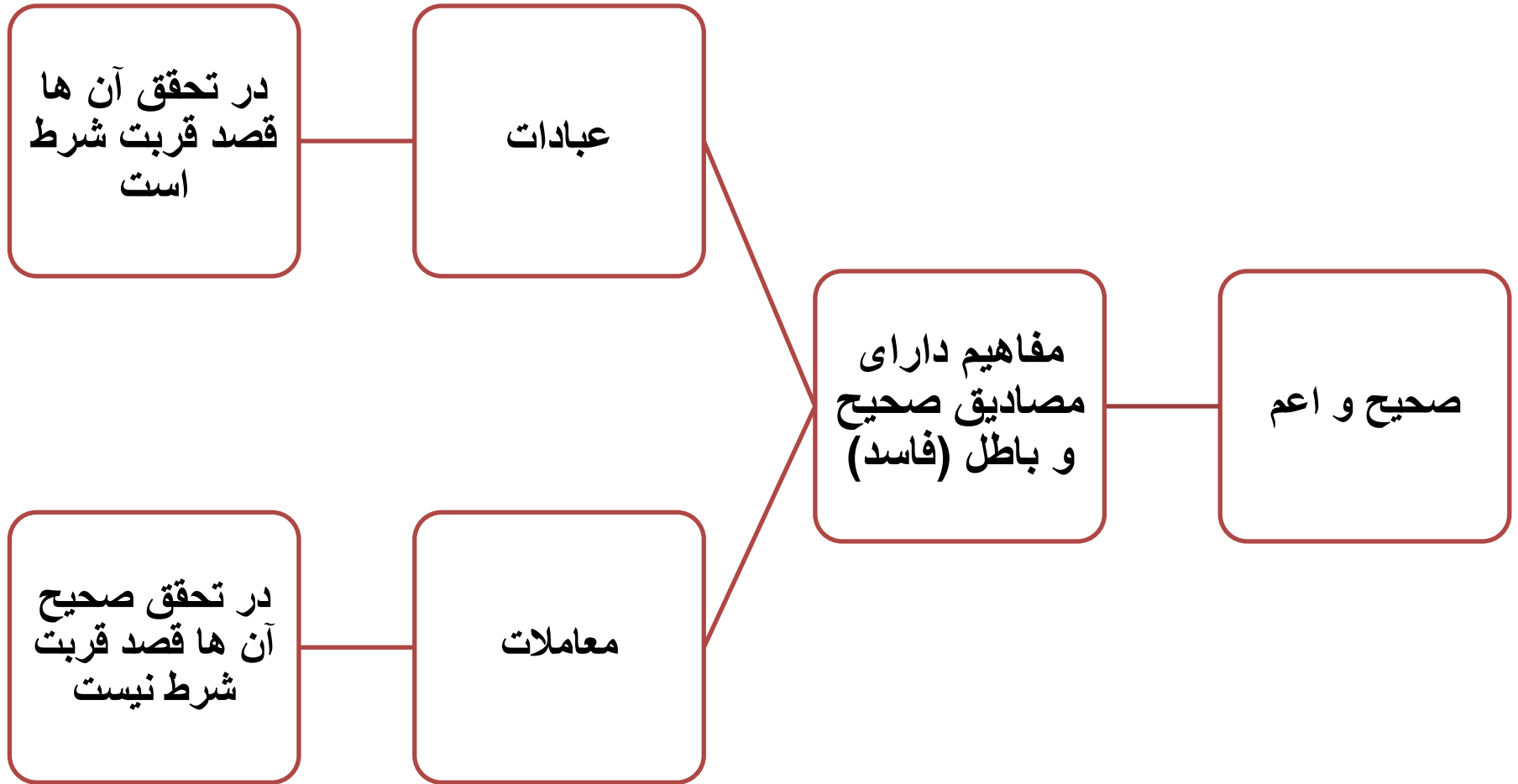




## ۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



# صحيح و أعم



## صحيح و اعم

- بحث صحيح و اعم در حوزه مفاهيمي مطرح مي شود كه داراي مصاديق صحيح و باطل يا صحيح و فاسد باشند.
- اينگونه مفاهيم به دو گروه تقسيم مي شوند:
- گروهی که در تحقق در تحقق آن ها قصد قربت شرط است و به آن ها عبادات گفته می شود
- و گروهی که در تحقق صحيح آن ها قصد قربت شرط نيست كه از آن ها به معاملات تعبير مي شود.

## صحیح و اعم

- به عبارت دیگر در بحث صحیح و اعم دو گونه از الفاظ شرعی مورد نظر است: یک قسم الفاظی که وضع شده‌اند برای معانی ای که نیاز به قصد قربت دارند و در اصطلاحات از آن‌ها به عبادات یاد می‌شود.
- قسم دوم الفاظی که وضع شده‌اند برای معانی ای که نیاز به قصد قربت ندارند. قسمتی از بحث‌هایی که مطرح می‌کنیم در واقع مشترک هستند؛ ولی برای ساده‌تر شدن ما بحث عبادات را از بحث معاملات جدا می‌کنیم.

## صحیح و اعم

- بسیاری از اصولی‌ها مثل مرحوم آخوند در طرح این مسأله صرفاً به مسأله عبادات پرداختند و این گونه بحث را مطرح کردند که آیا الفاظ عبادات برای یک صحیح وضع شده‌اند یا برای اعم از صحیح و فاسد.

## صحيح و أعم

- برخی دیگر مثل شهید صدر - رضوان الله عليه - بحث را در دو مقام مطرح کردند: عبادات و معاملات.
- مقصودشان از معاملات معاملات بالمعنی الأخص است؛ یعنی همان چیزهایی که در عرف مردم به آن ها معاملات یا قرار دادها گفته می شود؛ مثل خرید و فروش، اجاره، صلح و ... .

## صحیح و اعم

- شهید صدر در مقام بحث از معاملات پرسش را بدین گونه مطرح می‌کند که آیا معاملات برای صحیح وضع شده‌اند یا اعم از صحیح و فاسد؟
- بعد دو احتمال در این صحیح ذکر می‌کند:
- یکی اینکه مراد، صحیح شرعی باشد
- و دوم اینکه مراد، صحیح عقلایی باشد؛
- چون معاملات به این معنای خاص کلمه همه امور عقلایی هستند. بنابراین در آن‌ها صحت و بطلان عقلایی مطرح است.

## صحيح و أعم

- شیوه‌ای که ما بحث را مطرح کردیم با شیوة مرحوم آخوند و شهید صدر - رضوان الله علیه - تفاوت داشت دارد.



## صحیح و اعم

- گفتیم الفاظ شرعی که دارای مصادیق صحیح و باطل هستند آیا برای صحیح وضع شده‌اند یا برای اعم از صحیح و فاسد.
- مقصود ما از الفاظ شرعی یعنی الفاظی که دارای معانی شرعی هستند؛ چه آن معانی توسط خود شرع اختراع شده باشد و چه قبل از شریعت وجود داشته است.
- مهم آن است که در شریعت مطرح شده است. در اصطلاحی که ما به کار می‌بریم، هم عبادات و همه معاملات حتی آن‌ها که معامله به معنای اخص نیستند در محل بحث قرار می‌گیرند.

## صحیح و اعم

- همچنین گفتیم که این اموری که در شریعت دارای مصادیق صحیح و باطل هستند به دو دسته تقسیم می‌شوند: یک دسته آن‌هایی هستند که در صحتشان قصد قربت شرط است و به این‌ها عبادات می‌گوییم و دسته دوم آن‌هایی هستند که در صحتشان قصد قربت شرط نیست و به این‌ها معاملات می‌گوییم.

## صحيح و أعم

- این اصطلاحات معاملات که در اینجا می‌گوییم وسیع‌تر از آن معاملاتِ بالمعنی الأخص است. به همین دلیل از آن به معاملات بالمعنی الأعم تعبیر می‌کنیم.

## صحیح و أعم

- مقصود ما از معاملات در این اصطلاح یعنی همه امور که توصلی هستند.
- بنابراین علاوه بر اینکه معاملات بالمعنی الأخص مثل بیع، اجاره، صلح، قرض و مضاربه را شامل می‌شود، برخی از امور را که در عرف معامله (قرارداد) نیستند مثل **تطهیر از خبث** را نیز در بر می‌گیرد.
- در حقیقت معاملات در اصطلاح ما در مقابل عبادات قرار می‌گیرد و هر عمل غیر عبادی ای را که که دارای افراد صحیح و باطل باشد، در بر می‌گیرد.

## صحيح و أعم

- برای اینکه بتوانیم با بحث‌های متعارف اصولی‌ها هماهنگی داشته باشیم، ابتدا بحث را از عبادات شروع می‌کنیم.
- بحث الفاظ عبادات مسأله‌ی شناخته شده‌ای در اصول بوده است؛ اما بحث معاملات را بیشتر در فقه مطرح کردند و در اصول کمتر مطرح شده بود و هر چند متأخرین در ادامه آن را به عنوان یک بحث اصولی در اصول مطرح کردند.

## صحیح و اعم

- اولین پرسشی که در این بحث مطرح می شود این است که:
- آیا بحث صحیح و اعم با بحث حقیقت شرعیه ارتباط دارد یا نه؛ یعنی اگر ما در بحث حقیقت شرعیه مبنای خاصی را برگزیدیم، تاثیری در نتیجه بحث صحیح و اعم خواهد داشت یا نه.

## صحیح و اعم

- برخی تصور کردند که انتخاب بعضی از مبانی در بحث حقیقت شرعیه موضوع بحث صحیح و اعم را به طور کلی از بین می‌برد، گفته‌اند در بحث صحیح و اعم محل بحث این است که این الفاظ آیا وضع شده‌اند برای صحیح یا برای اعم از صحیح و فاسد یا اعم از صحیح و باطل.

## صحيح و اعم

- اگر فرض کنیم که این الفاظ برای معنای شرعی اصلاً وضع نشده‌اند، بلکه مثلاً به نحو مجازی استعمال شده‌اند، دیگر بحث صحيح و اعم معنا نخواهد داشت؛ چون فرض این است که اصلاً این الفاظ دارای موضوع له ای در شریعت نیستند تا بحث کنیم که آیا برای صحيح وضع شده‌اند یا برای اعم از صحيح و فاسد.



## صحيح و اعم

- در مقابل اين دیدگاه بعضی مثل شهید صدر - رضوان الله عليه - سعی کرده اند اثبات کنند که بحث صحيح و اعم مستقل از بحث حقیقت شرعیه است و ما هر مبنایی در بحث حقیقت شرعیه انتخاب کنیم، تاثیری در بحث صحيح و اعم نخواهد داشت.

## صحيح و أعم

- شهيد صدر - رضوان الله عليه - برای توضیح این مطلب می گوید ما در بحث حقیقت شرعیه به یکی از سه مبنا می توانیم منتهی شویم:
- یا بگوییم الفاظ در این معانی شرعی توسط شارع حقیقت شده اند؛ یعنی شارع این ها را به وضع تعیینی وضع کرده است.
- یا بگوییم این معانی قبل از شریعت همان معانی عرفی و لغوی این الفاظ بوده اند و این الفاظ به همین شکل قبل از شریعت در این معانی حقیقت شده اند.
- یا بگوییم این الفاظ در لسان شارع به نحو مجازی در معانی شرعی به کار می رفته است.

## صحيح و اعم

- بنا بر دیدگاه اول کاملاً آشکار است که بحث صحيح و اعم معنا دارد و می توانیم پرسیم آیا شارع این ها را برای صحيح وضع کرده است یا برای اعم از صحيح و فاسد.
- بر اساس دیدگاه دوم باز هم این بحث جا دارد و می توانیم پرسیم که این الفاظ قبل از شریعت در معنای صحيح حقیقت بودند یا در اعم از صحيح و فاسد.

## صحیح و اعم

- اما طبق دیدگاه سوم بحث از صحیح و اعم چگونه معنا خواهد داشت در حالی که فرض ما این است که اصلاً معانی شرعی موضوع له این الفاظ نیستند. چه معنا دارد که بگوییم که آیا برای معنای شرعی صحیح وضع شده است یا برای اعم از صحیح و فاسد؟
- در قبال این پرسش پاسخ‌هایی داده شده است: